



## اظهار نظر کارشناسی درباره:

### «لایحه موافقتنامه انتقال محکومین بین دولت جمهوری اسلامی ایران و

### دولت جمهوری دموکراتیک سوسیالیستی سریلانکا»

#### مقدمه

کشورهایی که ارتباطات گسترده‌ای با یکدیگر دارند، به صورت معمول با انعقاد موافقتنامه‌های متعددی از قبیل اقتصادی، فرهنگی و... سطح همکاری‌های بین خود را ارتقا می‌دهند. یکی از موافقتنامه‌هایی که در این راستا قابل ذکر است معاهدات دوجانبه همکاری حقوقی<sup>۱</sup> است که به چند دسته تقسیم می‌شوند که از جمله آنها می‌توان به معاهدات استرداد محکومین، انتقال محکومین و سازوکارهای همکاری حقوقی و قضایی مانند آموزش نیروهای انسانی اشاره کرد. این معاهدات وضعیت این مسئله را که آیا باید همکاری حقوقی و قضایی در میان دو کشور صورت بگیرد و در صورت مثبت بودن پاسخ، این موضوع را که سطح همکاری باید تا چه میزان باشد تعیین می‌کنند. در واقع برای نیل به اهداف انعقاد این قبیل موافقتنامه‌ها، کشورهای طرف چنین معاهداتی باید بتوانند به قابل اتکا بودن، توانایی و کارکرد سیستم حقوقی یکدیگر اطمینان کنند.

در ابتدا لازم به نظر می‌رسد که گونه‌شناسی موافقتنامه‌های همکاری حقوقی و قضایی روشن شود تا جایگاه لایحه «موافقتنامه انتقال محکومین بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری دموکراتیک سریلانکا» مشخص گردد:

۱. **معاهدات راجع به استرداد مجرمین و متهمین:** در این گونه از معاهدات، شخصی، به واسطه رفتار مجرمانه‌ای که در یک کشور انجام داده است و یا متهم به ارتکاب آن است و در سرزمین کشور دیگری حضور دارد مورد تقاضای استرداد قرار می‌گیرد. در واقع در این نوع معاهدات، شخص مورد نظر در کشور محل ارتکاب، تحت تعقیب قرار گرفته است و یا حتی حکمی علیه وی صادر شده است، اما به هر دلیل از حوزه صلاحیت این کشور خارج شده است. در این حالت، کشور محل ارتکاب رفتار مجرمانه، از کشور محل حضور مرتکب عمل یا متهم به ارتکاب آن، تقاضای استرداد این شخص را می‌کند. در این نوع از معاهدات، کشور تقاضا شونده ارائه اسنادی مانند حکم بازداشت و یا حکم قطعی، اسناد مثبت جرم و اطلاعات دیگری را مطالبه می‌کند تا بتواند از ادعای مورد نظر اطمینان حاصل کند.

در واقع «استرداد یک فرآیند رسمی است که طی آن دولتی از دولت دیگر می‌خواهد که شخص مورد تقاضای وی و یا فرد متهم و یا محکوم به ارتکاب یکی از جرائم ناقض قوانین کشور تقاضاکننده را به این کشور تحویل دهد. بازگرداندن شخص مورد تقاضا، به این دلیل درخواست می‌شود که آن شخص به واسطه جرم و یا جرائمی که مرتکب شده است در کشور تقاضاکننده موضوع دادرسی و یا مجازات قرار گیرد»<sup>۲</sup>. موافقتنامه‌های دوجانبه استرداد متهمین و محکومین از قدیمی‌ترین معاهدات در حقوق بین‌الملل هستند و تاریخ انعقاد برخی از آنها به سال‌های پایانی قرن نوزدهم می‌رسد.<sup>۳</sup>

۲. **معاهدات راجع به انتقال محکومین:** در این نوع معاهدات، شخصی در سرزمین یک کشور مرتکب رفتار مجرمانه‌ای می‌شود. این شخص تبعه کشور محل ارتکاب رفتار مجرمانه نیست؛ این رفتار مجرمانه در آن کشور مورد رسیدگی قرار گرفته و در نتیجه مرتکب، به حبس محکوم می‌شود. کشور متبوع شخص محکوم، به واسطه داشتن علقه سیاسی - حقوقی با آن شخص، متقاضی تحویل وی به خود می‌باشد تا آن شخص مدت زمان محکومیت خود را در زندان‌های کشورش سپری کند.

مشخصات لایحه

دوره دهم - سال دوم

شماره ثبت:

۳۷۴

شماره چاپ:

۸۲۵

تاریخ چاپ:

۱۳۹۶/۱۲/۱۵

معاونت پژوهش‌های

سیاسی - حقوقی

دفتر: مطالعات حقوقی

مشخصات گزارش

شماره مسلسل:

۲۴۰۱۵۸۱۸

تاریخ انتشار:

۱۳۹۷/۱/۲۱

1. Mutual Legal Assistance (MLA).

2. UNODC Manual on Mutual Legal Assistance and Extradition, Vienna September 2012, p.41.

۳. برای مثال موافقتنامه استرداد بین کانادا و اروگوئه به سال ۱۸۸۵ بازمی‌گردد.

بر این اساس، معمولاً در این گونه از موافقتنامه‌ها، محکوم می‌تواند در صورت وجود شروط دیگر رضایتش را برای انتقال به دولت متبوعش برای سپری کردن محکومیت حبسش اعلام کند، البته در صورت اعلام رضایت شخص محکوم، پذیرش انتقال وی همچنان منوط به اعلام رضایت کشور صادرکننده حکم و کشور اجراکننده حکم است. در واقع محکوم، حق ارائه درخواست را دارد، ولی کشورهای صادرکننده حکم و اجراکننده آن مکلف به پذیرش چنین درخواستی نمی‌باشند و اعلام رضایت آنها به‌عنوان عنصری ضروری از فرآیند تحقق انتقال می‌باشد.

براساس آنچه که بیان شد، تفاوت‌های اساسی بین دو نوع معاهده اول و دوم به‌چشم می‌خورد: اولاً در معاهدات نوع اول کسب رضایت مجرم یا متهم در امر استرداد شرط نیست درحالی که در معاهدات دسته دوم، رضایت شخص محکوم در امر انتقال تأثیرگذار است. ثانیاً تفاوت عمده دیگری که بین این دو معاهده وجود دارد مسئله نظم عمومی است. در معاهدات نوع اول، واقعیت آن است که نظم عمومی کشور متقاضی استرداد نقض شده است درحالی که در معاهدات نوع دوم نظم عمومی کشور صادرکننده حکم نقض شده است. ثالثاً هدف از معاهدات گونه اول تأمین نظم و امنیت کشور متقاضی استرداد است درحالی که در معاهدات نوع دوم بیشتر منافع و مصالح شخص محکوم مورد توجه است.

**۳. معاهدات معاضدت‌های قضایی در امور کیفری:** این نوع موافقتنامه‌ها برای ردیابی متهمان و یا محکومان، تبادل اطلاعات راجع به جرائم، مجرمین و یا مشارکت در تحقیقات مقدماتی رسیدگی‌های قضایی منعقد می‌شوند. برای مثال می‌توان به ماده (۹) کنوانسیون مبارزه با رشوا و ارتشای مقامات عمومی خارجی در بازرگانی بین‌المللی اشاره کرد که عنوان می‌کند کشورها می‌توانند برای به‌دست آوردن اطلاعات و مدارک از طریق معاهدات همکاری قضایی دوجانبه وارد عمل شوند. در واقع هدف اصلی این نوع از معاهدات آن است که مقامات مجری قانون بتوانند مدارک و دیگر اقدامات شکلی لازم در خارج از کشور را به‌نوعی که در دادگاه‌های کشور تقاضاکننده قابل پذیرش است تدارک ببینند.<sup>۱</sup>

**۴. معاهدات معاضدت‌های قضایی در امور مدنی:** این معاهدات بیشتر در قالب معاهدات آموزش نیروها، نگارش و تدوین پیش‌نویس قوانین، شناسایی آرای محاکم، ابلاغ اوراق قضایی، جلب نظر کارشناس و... منعقد می‌شوند. چنانچه از عنوان لایحه مورد بررسی در گزارش حاضر برمی‌آید، موضوع این موافقتنامه «انتقال محکومین به حبس» است و نه «استرداد مجرمین و محکومین» و یا «معاضدت قضایی» لذا آنچه در ذیل معاهدات نوع دوم عنوان شد باید درخصوص این لایحه مورد توجه قرار گیرد.

## آثار تصویب معاهده

یکی از اهداف این موافقتنامه، گسترش مناسبات دو کشور و ارتقای سطح همکاری دوجانبه و تحکیم مناسبات میان دو طرف معرفی شده است.

اهمیت لوایح این‌چنینی به‌واسطه زندانیان ایرانی در کشورهای خارجی است.

همان‌طور که پیش‌تر عنوان شد لایحه پیش‌رو مربوط به انتقال محکومین به حبس است. لذا در اینجا مفاهیمی از جمله نقض قوانین کشور اجراکننده حکم یعنی کشوری که محکوم، به آنجا منتقل می‌شود مطرح نیست از این‌رو هرچند عنصر تقاضای این دولت مؤثر است اما نقش پررنگ و منحصری ندارد.

مطابق با فلسفه‌ای که برای انعقاد این معاهده توسط دولت‌های طرف معاهده اعلام شده، فرض بر این است که سپری کردن مدت محکومیت حبس در کشور متبوع محکوم می‌تواند وی را در بازپروری و بازگشت به آغوش جامعه کمک کند. هرچند مسائلی از جمله کمبود سرانه زندان‌ها و تحمیل هزینه‌های مضاعف بر دوش سازمان زندان‌ها را نیز نباید از نظر دور داشت، اما می‌توان جلوگیری از بروز حوادثی که ممکن است از اختلافات فرهنگی و... در زندان‌ها ناشی می‌شود را به‌عنوان یکی از فواید اجرایی شدن این موافقتنامه برشمرد.

1. Typology on Mutual Legal Assistance in Foreign Bribery Cases, p 3&13, available at: <http://www.oecd.org/daf/anti-bribery/TypologyMLA2012.pdf>

از آنجایی که صرف انعقاد و تصویب چنین معاهداتی برای عملیاتی شدن آنها کافی نیست و اجرایی شدن آن مستلزم توجه و پیگیری مستمر دولت جمهوری اسلامی ایران نسبت به درخواست‌هاست لذا انتخاب دستگاهی دولتی برای این پیگیری‌ها لازم است از این رو، وزارت دادگستری از جانب جمهوری اسلامی ایران مقام صالح برای رسیدگی‌های آتی تعیین شده است.<sup>۱</sup>

## ارزیابی لایحه و پیشنهادها

۱. این معاهده با قید پاره‌ای از مقررات تلاش کرده است تا حاکمیت هر دو طرف معاهده را مورد توجه قرار دهد. برای مثال هر دو کشور باید عمل ارتكابی که مستوجب محکومیت حبس است را در قوانین خود جرم‌انگاری کرده باشند که از آن در اصطلاح حقوقی به‌عنوان جرم‌انگاری مضاعف یاد می‌شود (بند «پ» ماده (۳)). یا اینکه انتقال محکوم به حبس باید با توافق هر دو طرف معاهده صورت بگیرد (بند «۲» ماده (۲)). توافق کشورها برای انتقال می‌تواند تحت تأثیر ملاحظات امنیتی و حاکمیتی قرار گیرد و پذیرفته نشود (بند «ج» ماده (۳) و بند «۳» ماده (۶)). پس این امر منطقی است که کشورهای طرف قرارداد رضایت خود را برای انتقال، لازم بدانند و انتقال را به‌عنوان حقی مطلق و بدون نیاز به مداخله اراده دولت به محکومین اعطا ننمایند. علیرغم این، مواردی در این موافقتنامه به‌چشم می‌خورد که به‌گونه‌ای تضییق حاکمیت تلقی می‌شود مثلاً با اینکه دولت اجراکننده حکم از منظر موارد شکلی و شرایط حبس، عفو و کاهش مدت حبس قوانین خود را اجرا می‌کند (ماده (۱۱))، اما ملزم است که ماهیت حقوقی و مدت حکم را مطابق با آنچه در کشور صادرکننده آن تعیین شده است ادامه دهد و حق تجدیدنظرخواهی نیز صرفاً با طرف صادرکننده رأی است (مواد (۹) و (۱۲)). این مسئله به‌دلیل ملاحظات از قبیل عدم محکومیت مضاعف درج شده است از این رو قید آن در متن معاهده توجیه‌پذیر است. درواقع مطابق با اسناد حقوق بشری از جمله بند «۷» ماده (۱۴) میثاق حقوق مدنی سیاسی نباید شخص را به‌واسطه جرمی که انجام داده است و دادگاهی صالح به آن رسیدگی کرده دوباره محاکمه و یا مجازات نمود. می‌توان عنوان کرد هرچند اراده دولت اجراکننده حکم در انتقال مؤثر است، اما از عنوان «دولت اجراکننده» می‌توان دریافت که خصیصه مجری بودن در رابطه با این کشور پررنگ‌تر است لذا اگر کشور صادرکننده حکم، کشور اجراکننده را از مواردی که می‌تواند ادامه حبس را تغییر دهد، آگاه سازد کشور مجری باید اجرای محکومیت را با تغییر مزبور ادامه دهد (بند «۲» ماده (۱۲)).

۲. عمده تعهدات این موافقتنامه برعهده دولت صادرکننده حکم است. کشور صادرکننده باید محکومانی را که مشمول مقررات این سند قرار می‌گیرند در جریان قرار دهد و به کشور اجراکننده حکم، مراتب اعلام درخواست و رضایت محکوم را منعکس کند. در این راستا باید خاطر نشان کرد که مطابق با ماده (۳) این موافقتنامه طرف‌های متعاقد تنها پذیرای انتقال اتباع خود خواهند بود. علاوه بر این، به‌موجب ماده (۱۵)، طرف‌های موافقتنامه پذیرفته‌اند که انتقال محکومان هر یک از طرف‌ها از مبدأ کشور ثالث را از طرق عبور از خاک کشور خود، تسهیل کنند. رعایت اصل جرم‌انگاری مضاعف درخصوص این امکان نیز لحاظ شده است، لذا در صورتی که عمل مربوطه در کشورهای طرف این موافقتنامه جرم نباشد امکان عبور و مرور و تسهیل آن، منتفی است.

۳. یکی از نکات حائز اهمیت این موافقتنامه نسبت به موارد مشابه پیشین که پیش از این و در موافقتنامه‌های مشابه، محل ایراد شورای محترم نگهبان قرار گرفته بود، مسئله اعلام رضایت بستگان نزدیک فرد محکوم، به‌عنوان بدل یکی از شروط انتقال (اعلام رضایت محکوم)، بود. در موافقتنامه‌های پیشین عنوان شده بود که «بستگان نزدیک» محکوم نیز می‌توانند در صورتی که وی از نظر جسمی یا روانی امکان ارائه درخواست انتقال را ندارد از طرف او، درخواست دهند. برای مثال می‌توان به موافقتنامه انتقال محکومین به حبس بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری قزاقستان اشاره کرد که این مورد را در ماده (۸) خود گنجانده بود، اما موافقتنامه حاضر، در ماده (۳) مقرر نموده که انتقال یا بنا به رضایت مکتوب خود شخص محکوم است یا اینکه با توجه به سن یا وضعیت

۱. درخصوص گستردگی و آثار اسناد همکاری‌های حقوقی - قضایی می‌توان به معاهدات استرداد اتحادیه اروپا با کشورهای آمریکای لاتین اشاره کرد که تنها در سال‌های بین ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۱ منجر به استرداد ۴۵۵ نفر به اتحادیه اروپا شده است. برای اطلاع بیشتر در این زمینه مراجعه کنید به:

Study on Judicial Cooperation, Mutual Legal Assistance and Extradition of Drug Traffickers and other Drug Related Crime Offenders, Between the EU and its Member States and Latin American and Caribbean (LAC) Countries, p 240, Available at: [ec.europa.eu/justice/anti-drugs/.../study-lac-judicial-coopen.pdf](http://ec.europa.eu/justice/anti-drugs/.../study-lac-judicial-coopen.pdf)

جسمی یا روانی شخص محکوم، رضایت توسط «نماینده قانونی» وی اعلام شود که اعم از ولی، وکیل یا قیم است. به این ترتیب به نظر می‌رسد از این منظر ایرادی به موافقتنامه وارد نباشد.

۴. یکی از ایرادهای دیگر شورای نگهبان به این نوع موافقتنامه‌ها، خلاف شرع تلقی کردن اطلاق برخی از مواد آنهاست که منجر به شناسایی احکام محاکم و مراجع غیرمسلمان می‌شود. از جمله موافقتنامه‌هایی که محل این ایراد بوده است «موافقتنامه انتقال محکومین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین»<sup>۱</sup> و «موافقتنامه جمهوری اسلامی ایران و ژاپن»<sup>۲</sup> است. در واقع از آنجا که صدور احکام در دادگاه‌های کشورهای خارجی تابع الزامات محتوایی و شکلی آن کشورهاست و از این رو ضرورتاً منطبق بر موازین شرعی نیست، لذا براساس نظر شورای محترم نگهبان، در موارد مشابه این نوع موافقتنامه، مستلزم پذیرش احکام این دادگاه‌هاست که این مهم مغایر با شرع است. این وضعیت در خصوص موافقتنامه حاضر نیز صادق می‌باشد.

### نتیجه‌گیری

این‌گونه معاهدات می‌تواند موجب تحرک بخشیدن به دستگاه‌های اجرایی کشور شده و با بهره‌مندی از نگاهی تطبیقی به نظام‌های حقوقی کشورهای دیگر، خلأهای احتمالی نظام حقوقی ملی را پوشش داد. در عین حال موجبات تسهیل مراودات دو کشور و اتباع آنها را نیز فراهم می‌آورد. انعقاد چنین معاهداتی موجب پررنگ‌تر شدن همکاری‌های دوجانبه و مساعد کردن وضعیت تحمل محکومیت اتباع کشور می‌شود از این منظر مفید و مؤثر تلقی می‌گردد. با این همه نظر به ایراد احتمالی مغایر شرع بودن برخی مفاد این موافقتنامه‌ها، تصویب این موافقتنامه منوط به احراز تشخیص مصلحت و ضرورت در این خصوص است که در صورت احراز این ضرورت، تصویب آن می‌تواند راهگشا باشد.

۱. نظریه شورای نگهبان به شماره ۹۴/۱۰۲/۵۰۴۷ مورخ ۹۴/۱۰/۲۳. ۱۳۹۴/۱۰/۲۳.

۲. نظریه شورای نگهبان به شماره ۹۴/۱۰۲/۲۷۲۷ مورخ ۹۴/۱۰/۶/۱۰. ۱۳۹۴/۶/۱۰.